

مشارکت دچار آسیب‌های جدی و تهدیدات امنیتی در عرصه‌ امور اجتماعی و اقتصادی می‌گردد.

مفروضه ما در تحقیق این است که عنصر تعیین‌کننده در تضمین امنیت اجتماعی و اقتصادی کشور، ثبات و تعادل و انسجام جامعه است و هرگونه رویداد یا روندی که ثبات و انسجام جامعه را برهم زند، تهدید امنیتی محسوب می‌شود.

### تعریف امنیت ملی

امنیت ملی امروزه معنی بسیار پیچیده، گسترده و متنوعی پیدا کرده است. سابقه مفهوم امنیت ملی به شکل‌گیری دولتهای ملی در قرن هفدهم بازمی‌گردد.<sup>۱</sup>

امنیت ملی دارای اهمیت والایی است. این مفهوم به دلیل تحولات عظیمی که در اواخر قرن بیستم صورت گرفته، اهمیت بیشتری هم یافته است. یکی از دانشمندان در چارچوب دوران پس از جنگ سرد می‌گوید: «بندرت کسی منکر این نکته می‌شود که امنیت خواه فردی، ملی یا بین‌المللی، در بین مسائل بشریت مسئله بسیار برجسته‌ای است.»<sup>۲</sup> امنیت ملی بعد از جنگ سرد تحولات مفهومی فراوان و در عین حال پیچیده‌تری یافته است.

امنیت یک مفهوم چندوجهی است. از همین رو درباره آن تفاهم قطعی وجود ندارد. تعاریف مندرج در فرهنگهای لغت در خصوص مفهوم امنیت، بر احساس فارغ بودن از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید کرده‌اند.<sup>۳</sup> امنیت ملی را بطور عینی به معنای فقدان تهدید نسبت به ارزشهای مکتسبه و بطور ذهنی به مفهوم فقدان ترس از حمله به این گونه ارزشها تعریف می‌کنند.<sup>۴</sup> در تعاریف دیگر، امنیت عبارت است از حفاظت جامعه در برابر لطمه خوردن به نهادها و ارزشهای بنیادی.<sup>۵</sup>

به عنوان جمع‌بندی تعریف ذیل را در خصوص مفهوم امنیت می‌توان مبنا قرار داد:

امنیت ملی یکی از اهداف اصلی جوامع و نظامهای سیاسی محسوب می‌شود. از این رو حفظ امنیت و بسط و توسعه کمی و کیفی آن در جهت افزایش منافع ملی، همواره مدنظر رهبران سیاسی و مردم کشورها بوده است. بدیهی است که برای نیل به این مهم، باید اقدامات گوناگونی به عمل آید که یکی از آنها شناسایی تهدیدات و عوامل برهم‌زننده امنیت است. گفتنی است که عوامل مزبور بسته به وضعیت هر کشور می‌تواند متفاوت باشد. در این مقاله در نظر است که به یکی از تهدیدات امنیتی مطرح برای جمهوری اسلامی ایران در عرصه امور اجتماعی و اقتصادی پرداخته و حساسیت آن به بررسی و تحلیل گذاشته شود و آثار عدم توجه به آن تهدیدات (احتمالی) تبیین گردد.

در این مقاله تلاش خواهیم کرد که به پرسش‌های اساسی زیر پاسخ دهیم:

تقاضاهای جدید مردم و آحاد جامعه در چه وضعیتی سربرمی‌آورد و مولود چه شرایطی است؟

تقاضاهای جدید، چه فشارهایی به حاکمیت سیاسی وارد می‌سازد؟

با مطرح شدن تقاضاهای جدید از سوی مردم و اقشار و طبقات مختلف، حاکمیت سیاسی چه سازوکاری باید تدبیر نماید؟

- در صورتی که اقدامات و تدابیر لازم و متناسب با تقاضاهای جدید از سوی حاکمیت صورت نپذیرد، چه سرنوشتی در انتظار حاکمیت است؟

- در این خصوص چه تهدیداتی برضد امنیت ملی نمودار خواهد گشت؟

در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌های مزبور فرضیه ما این است که، در بستر تحولات اقتصادی، تقاضاهای جدیدی از سوی گروهها و طبقات نوظهور جامعه بروز خارجی پیدا می‌کند. در صورتی که حاکمیت سیاسی توانایی یا ظرفیت پاسخگویی به تقاضاهای مزبور را نداشته باشد جامعه و نظام، از منظر بحران

# تحولات طبقات اجتماعی در ایران و تهدیدات بالقوه امنیتی آن

حسین قریب

خواهیم کرد.

## چهره نرم‌افزاری و سخت‌افزاری

### امنیت

همانطور که گفتیم، با توجه به تحولات بعد از جنگ سرد، شاهد کاهش اهمیت عناصر محسوس قدرت همچون وسعت جغرافیائی، و جمعیت کشور و وجود منابع و... و در عین حال افزایش اهمیت عناصر نامحسوس قدرت همچون کیفیت رهبری و دیپلماسی هستیم.<sup>۷</sup> همچنین عوامل نامحسوس دیگری چون نیروی انسانی و کیفیت آنها، اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی را باید در افزایش قدرت مد نظر داشت. اگر در تحلیل امنیت ملی، به دو چهره سخت‌افزاری شامل توانائهای فیزیکی و قدرت نظامی و... و جنبه نرم‌افزاری شامل اراده ملی، نوع رژیم، انسجام، ظرفیت سیاسی و ثبات اجتماعی و... قائل شویم، باید بگوییم در دوران طلایی (۱۹۶۵-۱۹۵۵) و حاکمیت تفکر واقعگرایی بر عرصه روابط بین‌الملل، عمدتاً چهره سخت‌افزاری امنیت مدنظر بود. ولی بعد از مشخص شدن تنگناهای تفکر واقعگرایی، رویکرد جدیدی در مطالعات امنیت در جهان پا گرفت که عمدتاً بعد از جنگ سرد توسعه و بسط بیشتری پیدا کرده است و به آن جنبه‌های نرم‌افزاری امنیت اطلاق می‌شود.<sup>۸</sup>

تأکید یکجانبه بر محیط امنیتی و جنبه‌های سخت‌افزاری آن، می‌تواند مانعی جدی برای ارزیابی دقیق مفهوم امنیت همه جانبه باشد. در مطالعات سنتی مرتبط با امنیت ملی، ابعاد نرم‌افزاری امنیت یا به عنوان بخشی از جنبه‌های سخت‌افزاری تلقی می‌شد یا آنکه به عنوان زیرمجموعه محیط امنیتی مدنظر قرار می‌گرفت. ولی بعد از جنگ سرد، ابعاد نرم‌افزاری به شکل مستقل و با ضریب اهمیت بسیار بالایی مورد نظر قرار می‌گیرد. این ابعاد بویژه برای کشورهای جهان سوم که دچار ضعفهای ساختاری عدیده‌ای هستند ارزش و اهمیت بیشتری دارد.

حفاظت جامعه و ارزشها و نهادهای داخلی آن در برابر تهدیدات اعم از داخلی و خارجی؛ تهدیداتی که بقای رژیم‌ها و نظام شهروندی و شیوه زندگی آحاد جامعه را مختل می‌کند و موجودیت آنها را به خطر می‌اندازد. در این تعریف، دو نکته اصلی وجود دارد: هدف امنیت و تهدید امنیت. اما به دلیل موضوع مقاله بیشتر به جزء دوم تعریف، یعنی عوامل تهدیدکننده امنیت خواهیم پرداخت.

در خصوص تهدید پرسش‌های مختلفی وجود دارد که متأثر از تحولات بعد از جنگ سرد در جهان می‌باشد. بعضی از پرسش‌های مطرح‌شده از این قرار است: آیا تهدیدات امنیتی صرفاً ابعاد خارجی را شامل می‌شود؟ آیا تهدید فقط در امور نظامی خلاصه می‌گردد؟ آیا امنیت ملی صرفاً تأکید بر حفاظت از دولت دارد؟... در پاسخ به پرسش‌های مزبور، دیدگاه‌های مختلفی از سوی دانشمندان مطرح شده است. نظر غالب در این خصوص این است که، تهدید صرفاً در ابعاد خارجی خلاصه نمی‌شود بلکه بعد از جنگ سرد تهدیدات عمدتاً جنبه داخلی پیدا کرده‌اند. همچنین نباید تهدیدات را در امور نظامی خلاصه کرد. هم‌اکنون تهدیدات غیرمستقیم و غیرسنتی و غیرنظامی از تهدیدات مستقیم و نظامی اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند. لذا تهدیدات را باید در امور مختلف سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و زیست محیطی در نظر گرفت و نسبت به آنها به چاره‌اندیشی پرداخت. از سوی دیگر باید افزود که امنیت به حفاظت از دولت محدود نمی‌شود بلکه دامنه آن بسیار گسترده‌تر از حفظ دولت رفته است.<sup>۹</sup>

با توجه به نکات مزبور و اینکه تهدیدات دامنه و وسعت و پیچیدگی بیشتری پیدا کرده و همچنین از حالت تهدیدات سنتی و نظامی و مستقیم به تهدیدات غیرسنتی، و غیرنظامی تبدیل شده است، به تعیین و تحلیل یکی از تهدیدات (بالقوه) غیرنظامی و غیرمستقیم امنیتی در جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت و راه کارهایی هم برای مقابله با این تهدید ارائه

● عنصر تعیین کننده در تضمین امنیت اجتماعی و اقتصادی، ثبات و انسجام جامعه است و هرگونه رویداد یا روندی که ثبات و انسجام جامعه را برهم زند تهدید امنیتی محسوب می‌شود.

یافتن این طبقات و گروههای مستقل و جدید، زمینه‌های رقابت اجتماعی در جامعه فراهم‌تر می‌شود و از کشاکش رقابتهای مزبور، تقاضاهای گوناگونی از سوی آحاد جامعه مطرح می‌گردد و حاکمیت سیاسی را مواجه با موضوعات جدید می‌نماید. جوامعی که از گروههای اجتماعی بسیار محدودی تشکیل شده‌اند و در یک دسته‌بندی کلی می‌توان تنها به وجود دو قشر عمده در آنها یعنی قشر بالا و قشر پایین اذعان داشت، دارای تغییرات محدود و کندی هستند چرا که زمینه بروز تقاضاهای جدید در آنها وجود ندارد. معمولاً این جوامع به وضع موجود راضی هستند. اما جوامعی که دارای گروههای اجتماعی متنوع و گوناگونی هستند، و در یک دسته‌بندی عمومی می‌توان سه قشر بالا، متوسط و پایین را در آنها از همدیگر تمیز داد، دارای تغییرات اجتماعی وسیع و همچنین تقاضاهای جدید و نو می‌باشند. به عبارت دیگر با پیدایش طبقه متوسط رقابتهای اجتماعی در جامعه افزایش می‌یابد و این رقابتهای منشأ تقاضاهای جدید می‌شود لذا ریشه تقاضاهای جدید به پیدایش طبقه متوسط بازمی‌گردد. بنابراین یکی از خصوصیات جوامعی که دارای تقاضای جدید هستند وجود طبقه متوسط است. اصطلاح طبقه متوسط در قرن نوزدهم پا گرفت ولی در قرن بیستم از عمومیت بیشتری برخوردار شد. مشاغل و حرفه‌هایی که در تعریف طبقه متوسط جای می‌گیرد تماماً مولود پیشرفت و نوسازی اقتصادی بوده و شامل امور اداری، مالی، وکالت، استادی دانشگاه، نویسندگی و امور دفتری، خدماتی، آموزشی... می‌شود. تعریف عام برای این طبقه به مشاغل غیریدی بازگشت دارد. از دیدگاه نویسندگان مارکسیست چیزی به نام طبقه متوسط اعم از سنتی و جدید وجود ندارد چرا که در تفکر مارکسیستی طبقه متوسط یک بخش بینابینی است که در فرایند کارگری شدن جوامع صنعتی مضمحل، و در طبقات پایین جامعه ادغام می‌شود. گفتنی که دیدگاه مذکور از سوی

در مطالعات نرم‌افزاری امنیت، بررسی تقاضاهای مردم، سیر تکوین و شکل‌گیری آن، و پایگاه اجتماعی خواسته‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. از سوی دیگر کیفیت ساختار دولتها، ظرفیت سیاسی و نحوه پاسخگویی به نیازها در مطالعات امنیتی جایگاه خاصی پیدا کرده است. از برآیند این دو جریان باید تهدیدات امنیتی یک کشور را در چند و چونی تقاضاها و کیفیت طرح آنها در محورهای همچون عدالت‌خواهی، درخواست شغل، تقاضای مشارکت سیاسی و... همچنین نوع پاسخ حاکمیت سیاسی به تقاضاهای مذکور و انعطاف‌پذیری یا نامنعطف بودن آن، جستجو کرد. بدیهی است در صورتی که کارکرد دو روند مزبور در جهت دفع همدیگر باشد، موجبات برهم خوردن ثبات اجتماعی و انسجام جامعه فراهم می‌آید و نظام دچار آسیب‌های جدی و محیط امنیتی دستخوش تحولات گسترده می‌گردد.

### فرایند شکل‌گیری تقاضاهای اجتماعی

در جوامعی که تغییرات اجتماعی در آنها محدود، و ساختار موجود «بسته» می‌باشد، حرکت‌های اجتماعی نیز بسیار کند است. در جوامع بسته به دلیل نبود رقابتهای اجتماعی، تقاضاهای جدید از سوی مردم ظهور و بروز ندارد و فعل و انفعالات عمدتاً در سطح گروهها و اقشار بالا صورت می‌گیرد. اما جوامعی که دارای تحولات مهم اقتصادی می‌باشند شاهد تغییرات گسترده اجتماعی هم هستند. لذا با وقوع تغییرات اجتماعی، حرکتهای اجتماعی نیز دچار تحول می‌شود و سرعت می‌گیرد. رمز این تحول به پیدایش گروهها، اقشار و طبقات جدیدی برمی‌گردد که خود در نتیجه تحولات اقتصادی در صحنه جامعه موجودیت پیدا کرده‌اند. با پیدایش اقشار و طبقات و گروههای جدید، تقاضاهای جدیدی نیز از سوی آنها در جامعه به منصفه ظهور می‌رسد. با موجودیت

● تأکید یکجانبه بر محیط امنیتی و جنبه‌های سخت‌افزاری آن می‌تواند مانعی جدی برای ارزیابی دقیق مفهوم امنیت همه‌جانبه باشد.

جامعه وجود داشت، بطور نسبی کمتر است لذا به دلیل آگاهیهای طبقه متوسط و همچنین توان این طبقه برای مقایسه خود با دیگران زمینه‌های بروز تضادهای اجتماعی در جامعه فراهم می‌گردد و همین موجب پیدایش بحرانهای بالقوه در جامعه می‌شود.

به‌هر حال با بیان تقاضاهای جدید، تعارض و کشمکش بین مردم و حاکمیت سیاسی پا می‌گیرد. در صورتی که حاکمیت توجهی به تغییرات اجتماعی و تحولات مربوطه و همچنین تقاضاهای جدید ننماید، بحران درونی حاکمیت تشدید می‌شود و این تهدیدات می‌تواند موجودیت سیاسی رژیم را به خطر اندازد و پایه‌های امنیتی و اقتدار آن را سست نماید. شایان ذکر است که تقاضاهای جدید متناسب با وضعیت اجتماعی جوامع طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهد. تقاضاها از درخواست رفاه بیشتر و... آغاز می‌شود و تا ابراز ناخرسندی و اعتراض نسبت به نابرابریهای اجتماعی، بیکاری، فساد، تورم و... ادامه می‌یابد و به خواسته‌های پیچیده‌تری چون مشارکت سیاسی و مشارکت در تصمیم‌گیریها، تحقق ارزشها و... می‌انجامد.

### تهدیدات غیر سنتی برای جمهوری اسلامی ایران

تهدیدات غیر سنتی که برای جمهوری اسلامی ایران در عرصه اجتماعی و اقتصادی مطرح است در چارچوب بالا قابل بررسی است. دقت در موارد مربوطه از سوی حاکمیت سیاسی و چاره‌اندیشی برای آنها و پیش‌بینی وضعیت آینده با عنایت به ساختار جمعیتی جوان کشور و... پایه‌های امنیتی نظام را استوارتر می‌سازد. در صورتی که نسبت به این موارد بی‌توجهی شود، حاکمیت سیاسی غافلگیر می‌گردد و هزینه‌های زیادی را باید برای کنترل اوضاع به هنگام تشدید بحران و تهدید، تقبل نماید. لذا باید گفت این نوع تهدید، به مراتب پیچیده‌تر و خطرناکتر از تهدیدات

نومارکسیستها مورد تجدید نظر قرار گرفته و آنها نیز بطور مستقل این طبقه را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند.

از سوی دیگر باید افزود که پیدایش طبقه متوسط در جوامع پیشرفته و در حال توسعه بطور کیفی با یکدیگر متفاوت است. چرا که در جوامع توسعه یافته پیدایش این طبقه مولود توسعه سرمایه‌داری و بورژوازی و رشد درون‌زا بوده است، اما در کشورهای در حال توسعه این طبقه نتیجه نفوذ غرب و سرمایه‌گذاری خارجی و استعمار می‌باشد. شاخص‌های اصلی این طبقه را می‌توان در «افزایش درآمد»<sup>۹</sup> نسبت به طبقه و قشر پایین و «افزایش سطح سواد»<sup>۱۰</sup> نسبت به طبقه پایین و توان رقابت با طبقات بالایی جامعه دانست.

علت اصلی تحولات اجتماعی در جوامعی که دارای طبقه متوسط هستند به توانایی و قدرت مقایسه آنها از یک سو و خودآگاهی آنان از سوی دیگر باز می‌گردد.

در این خصوص کورپی (kopri) دیدگاه ویژه‌ای نسبت به کارکرد طبقه متوسط دارد. وی معتقد است که اگر فاصله و تفاوت قدرت بین دو گروه بسیار زیاد باشد، احتمال بروز تضاد و کشمکش بین آنها کم است. اما اگر تفاوت مزبور رو به کاهش گذارد، احتمال تضاد بیشتر می‌شود.<sup>۱۱</sup>

یعنی هنگامی که جوامع دارای دو قشر بالا و پایین هستند فاصله و تفاوت قدرت بین آنها بسیار زیاد است. در این حالت احتمال تضاد و درگیری محدود و کم است. ولی وقتی تفاوت اقشار بالا و پایین کم می‌شود، بدین معنی که طبقه و گروه جدیدی به نام طبقه متوسط فیما بین آنها پایه صحنه می‌گذارد، زمینه تضاد و کشمکش و بحران بیشتر می‌شود. این مکانیسم تضاد و تعارض بدین صورت است که اقشار پایینی خود را با طبقه متوسط، مقایسه می‌کنند و طبقه متوسط، خود را با طبقات بالا مقایسه می‌نمایند. از آنجا که این فاصله از آنچه در وضعیت قبلی که تنها دو قشر بالا و پایین در

### ● در مطالعات

نرم‌افزاری امنیت، بررسی تقاضاهای مردم، سیر تکوین و شکل‌گیری آن، و پایگاه اجتماعی خواسته‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است.

شاخصهای رشد طبقه متوسط بدان اشاره کرد، نقش گسترده زنان در جهت کسب موقعیت‌های اجتماعی والاتر و شایسته‌تر است. در جوامع سنتی زنان از حقوق کمتری برخوردار هستند اما در گذر تحولات اجتماعی و اقتصادی جوامع، تدریجاً تحرك اجتماعی زنان نیز فزونی می‌گیرد و آنها خواهان موقعیت اجتماعی بهتری می‌شوند.

در دهه‌های چهل و پنجاه شاهد تلاش چشمگیر زنان در کسب سواد و آموزش و دانش تخصصی و همچنین اشتغال در دستگاه‌های دولتی و نهادهای غیردولتی و خصوصی هستیم. با توجه به این آگاهی‌ها و تغییرات، می‌توان به نقش برجسته زنان در پیروزی انقلاب اسلامی اشاره داشت. در سال ۱۳۳۵ تنها ۲۳/۹ درصد از باسوادان زن بودند در حالی که بیست سال بعد، ۳۶/۳ درصد از باسوادان را زنان تشکیل می‌دادند و در سال ۱۳۷۵ این نسبت به ۴۶ درصد رسید. ۱۶ درصد تحصیلی ۱۳۷۵، ۳۸/۵ درصد جمعیت دانشجویی کشور را زنان تشکیل می‌دادند. ۱۷ درصد آزمون سراسری سال ۱۳۷۷ شمار قبول‌شدگان زن در دانشگاه‌ها برای نخستین بار بیش از مردان شد. ارقام مزبور گویای وقوع تغییرات گسترده اقتصادی و اجتماعی در کشور می‌باشد.

با توجه به افزایش سطح درآمد از يك سو و افزایش تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان که موجب افزایش سطح آگاهی در جامعه می‌شود و همچنین نقش گسترده زنان در سطح اجتماع از سوی دیگر، از دهه چهل و پنجاه به بعد حساسیت‌های قابل توجهی در جامعه به وجود آمد که بی‌سابقه بود. همانطور که گفتیم سازوکار اصلی در پیدایش این حساسیت‌ها، به طبقه متوسط و ویژگی‌های آن بازگشت دارد. انقلاب اسلامی مولود حساسیت‌ها و تحولات ویژه طبقه متوسط در ایران بوده است. هر چند دامنه حساسیت‌ها و دغدغه‌های طبقه متوسط بسیار گسترده است و شامل شئون مادی و

مستقیم و سنتی همچون دخالت نظامی کشور همسایه یا شورشی‌های نظامی گروه‌های محارب است.

در ایران، از سال‌های جنبش مشروطیت تدریجاً طبقه متوسط پایه عرصه وجود می‌گذارد. ولی در دهه ۱۳۴۰ خصوصاً بعد از اصلاحات ارضی و در دهه ۱۳۵۰ به دلیل افزایش قیمت نفت تغییرات اقتصادی گسترده‌ای در کشور به وجود آمد و طبقه مزبور وسعت بیشتری پیدا کرد. تولید ناخالص ملی به قیمت‌های ثابت از ۲۲۷۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۰ به بیش از ۳۶۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ رسید. ۱۲ همچنین کالاهای وارداتی به ایران طی دوره مزبور افزایش چشمگیری یافت. واردات ایران طی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ از ۲۰۶۰/۹ میلیون دلار به ۱۱۶۹۵/۶ میلیون دلار رسید. ۱۳

تعداد افراد باسواد نیز از ۱۲/۲۴ درصد جمعیت در سال ۱۳۳۵ به ۴۷/۴۹ درصد در سال ۱۳۵۵ رسید. نسبت این افراد در سال ۱۳۶۵ به ۶۱/۷۸ درصد و در سال ۱۳۷۵ به ۷۹/۵۱ درصد جمعیت بالای شش سال رسید. ۱۴ بدین ترتیب جمعیت باسواد کشور در طول نود سال از سال ۱۲۸۵ (انقلاب مشروطه) تا سال ۱۳۷۵ از يك درصد به حدود ۸۰ درصد افزایش یافته است. بدیهی است که این امر تحولات عديده‌ای را در کشور به وجود خواهد آورد. در همین خصوص باید افزود تعداد دانشجویان ایرانی از ۶۷ هزار نفر در سال ۱۳۴۵ به ۱۵۴ هزار نفر در سال ۱۳۵۷ رسید. در سال ۱۳۵۵ جمعیت شش سال به بالای کشور بالغ بر ۲۷/۱۱ میلیون نفر بود که از آن تعداد، جمعیت دانش‌آموزی و دانشجویی حدود ۷/۸ میلیون نفر را تشکیل می‌داد. اما در سال ۱۳۷۵ جمعیت شش سال به بالا به ۵۲/۳ میلیون نفر افزایش یافت و جمعیت دانش‌آموزی و دانشجویی به ۱۹/۸ میلیون نفر سرزد. ۱۵

نکته مهم دیگری که باید در خصوص

● باید تهدیدات امنیتی يك کشور را در چندوچونی تقاضاها و کیفیت طرح آنها در محورهایی چون عدالت خواهی، درخواست شغل، تقاضای مشارکت سیاسی و... و همچنین نوع پاسخ حاکمیت سیاسی به این تقاضاها و انعطاف‌پذیری یا نامنعطف بودن آن جستجو کرد.

معنوی و منزلتهای اجتماعی می‌گردد اما برای جلوگیری از اطالة کلام به دو حساسیت و دغدغه مهم طبقه متوسط که از دهه ۱۳۵۰ در کشور تشدید شد و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به نوعی دیگر همچنان ادامه دارد اشاره می‌نمائیم و ابعاد اثرات آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم. این دو موضوع، یکی تقاضا برای کاهش نابرابریهای اجتماعی-اقتصادی، و دیگری تقاضا برای مشارکت در تصمیم‌گیری است.

### نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی

برای نابرابری، تعاریف گوناگونی وجود دارد و درباره مفهوم آن تفاهم کلی بین دانشمندان وجود ندارد. اما در مورد اثرات ملموس نابرابری یعنی شکاف بین دارا و ندار، پولدار و فقیر، فرادست و فرودست، تمامی افراد توافق دارند. معنی پایه‌ای نابرابری عبارت است از تمایز بین افراد به نحوی که بین زندگی آنها خاصه نسبت به حقوق، فرصت، پاداش، امتیازات، اختلاف آشکار و پنهان وجود داشته باشد. هرگاه این تمایزات و اختلافات به صورت ساختاری باشد نابرابری در آن جامعه نهادینه شده است.<sup>۱۸</sup> نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی یکی از عواملی است که تهدیدات امنیتی را برای نظام افزایش می‌دهد و وجود آن زمینه‌های تهدید بالقوه غیرسنتی برای کشور را فراهم می‌سازد. یکی از مباحث پیچیده‌ای که با توجه به شرایط اجتماعی کشور در خصوص موضوع نابرابری وجود دارد این است که در بعضی از کشورها قدرت اقتصادی منشأ اصلی نابرابری است و در بعضی دیگر قدرت سیاسی. در کشورهای جهان سوم به دلیل ضعفهای ساختاری از يك سو و فقدان قدرت مدنی و نبود گروههای مستقل و غیردولتی از سوی دیگر، دولت‌ها دارای قدرت ویژه و انحصاری هستند. از این رو در این کشورها معمولاً قدرت سیاسی منشأ نابرابری است و کسانی که به قدرت سیاسی دست می‌یابند به دلیل نفوذهای خاص

به برتری‌های اقتصادی نائل می‌گردند. به عبارت دیگر، افراد و گروههای وابسته به قدرت سیاسی از «رانت»های گوناگونی بهره‌مند هستند که موجبات بسط و گسترش نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی را در کشور فراهم می‌کند. متأسفانه در ایران نیز به نوعی همین روند جریان دارد. هر چند بعد از پیروزی انقلاب ضربه سنگینی به این ساختار وارد آمد و طی برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی-اجتماعی تلاشهایی در جهت حذف انحصارات و آزادسازی‌های مختلف اقتصادی صورت گرفت ولی هنوز تا ریشه‌کن شدن رانت‌های اقتصادی اقدامات فراوانی باید صورت گیرد. طبقه متوسط در ایران نسبت به وجود رانت‌هایی که بسترساز نابرابری در کشور است فوق‌العاده حساس و نگران است و لذا حاکمیت سیاسی باید نسبت به این تقاضا و حساسیت توجه ویژه‌ای مبذول دارد.

محاسبه نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی امری پیچیده و دشوار می‌باشد ولی یکی از شاخصهایی که برای محاسبه نابرابریها مورد استفاده قرار می‌گیرد، ضریب جینی است. با مشاهده ارقام ضریب جینی در قبل و بعد از انقلاب روشن می‌شود که ضریب مزبور بعد از انقلاب روبه کاهش گذاشته است، ولی تا تحقق اهداف بلند انقلاب هنوز راه زیادی باقی است.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ضریب جینی در سال ۱۳۴۸ بین ۰/۶ تا ۰/۷ و در سال ۱۳۴۹، ۰/۵۲ بود.<sup>۱۹</sup> بعد از پیروزی انقلاب در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ ضریب مزبور در مناطق شهری به ترتیب به ۰/۴۰۲ و ۰/۴۰۳ و ۰/۳۹۲ کاهش یافت.<sup>۲۰</sup>

بنابراین یکی از تهدیدات جدی امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران وجود نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی است. هرچند که اگر در ایران اسلامی، طبقه متوسط وجود نداشت، شدت و دامنه تهدید بسیار محدودتر مطرح می‌شد. طبقه متوسط با توجه به سطح

● طبقه متوسط ایران نسبت به وجود رانت‌هایی که بسترساز نابرابری در کشور است فوق‌العاده حساس و نگران است و لذا حاکمیت سیاسی باید نسبت به این تقاضا و حساسیت، توجه ویژه‌ای مبذول دارد.

تقاضا در دو قلمرو «نفی» و «اثبات» مطرح است. نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی یکی از وجوه منفی زندگی اجتماعی است. لذا در جوامعی که دارای ساختار و ترکیب متنوع و مرکب هستند و از سطح آگاهی و ادراک مطلوبی نیز برخوردار می‌باشند، نسبت به این وجه منفی زندگی اجتماعی حساسیت‌های شدیدی وجود دارد. از سوی دیگر باید افزود که متناسب با پیشرفت جامعه، تقاضاهای آحاد جامعه نیز ثابت نمی‌ماند و دچار تغییر می‌شود. نکته مهم در اینجا آن است که تقاضاهای مزبور تدریجاً از وجوه منفی زندگی اجتماعی به وجوه مثبت آن می‌گراید. یکی از مهمترین وجوه مثبت در خواستها، تقاضای مردم از حاکمیت سیاسی برای مشارکت است. مشارکت نیز دارای طیف بسیار گسترده‌ای است که بحث جداگانه و تحلیلی دیگری را طلب می‌نماید. اما باید اذعان داشت که پیچیده‌ترین و دشوارترین مرحله، تقاضای مشارکت در تصمیم‌گیری است. در صورتی که تقاضای مردم برای مشارکت از سوی حاکمیت سیاسی بخوبی درک نشود، این امر موجبات تنشهای گسترده اجتماعی را در کشور فراهم می‌کند. وضعیت مزبور تدریجاً به یک مقوله امنیتی تبدیل و به عنوان یک تهدید جدی جلوه‌گر خواهد شد. بدیهی است که هرگاه سطح آگاهی سیاسی مردم بالا و همچنین ساختار اداری کشور بسته باشد و نسبت به خواسته‌های گوناگون مردم که شرکت در فرایند تصمیم‌گیری را از حقوق خود می‌دانند، مقاومت ورزد، پیچیدگی اوضاع و شرایط فزونی می‌یابد و لذا تهدید سریعتر و وسیعتر خود را نشان خواهد داد. برای جلوگیری از وقوع چنین تهدیدی، ساختار اداری کشور و سیستم سیاسی باید بستر مشارکت مردم را در عرصه‌های مختلف فراهم سازد و ضمن گسترش ظرفیت سیستم برای پاسخگویی به مردم، تلاشهای جدی در جهت به حرکت در آوردن چرخهای فعالیت جامعه به عمل آورد. وجود یک نظام اداری و سیاسی کارآمد، در افزایش قدرت سیستم برای پاسخگویی بیشتر به خواسته‌های مردم و

آگاهی‌هایش، از قدرت تشخیص و توان مقایسه برخوردار می‌باشد (به نقش بسزایی توجه کنید که این طبقه به دلیل آگاهی‌های مذهبی و سیاسی خود در پیروزی انقلاب اسلامی داشت). بدیهی است که شعارهای اجتماعی و اقتصادی انقلاب اسلامی نیز به تشدید وضعیت مزبور می‌افزاید. از سوی دیگر ممکن است به دلیل نابرابریهای مربوطه در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و ناامیدی نسبت به حل آنها، انفعال سیاسی و اجتماعی در آحاد جامعه پاگیرد. انفعال نیز بنوعی خود اثرات امنیتی سنگینی برای کشور دربر خواهد داشت؛ چرا که انفعال در تعارض با ماهیت مردمی نظام است. بطور خلاصه، بازتاب نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران به دلیل وجود طبقه متوسط عبارات است از اعتراض عمومی و ناراضی‌تانی از سوی انفعال سیاسی و اجتماعی از سوی دیگر. نتیجه قهری این دو وضعیت، بی‌ثباتی اجتماعی و کاهش انسجام در جامعه است که بالقوه زمینه‌های تهدید امنیتی را فراهم می‌سازد. از آنجا که انسجام و اعتماد عمومی بزرگترین سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود، هرگونه خدشه‌ای به این سرمایه مهم و ارزشمند، اثرات ضدامنیتی دربر خواهد داشت. چرا که کاهش انسجام اجتماعی، به کاهش پایداری و سست شدن پایه‌های مشروعیت نظام می‌انجامد و این خود زمینه بحران اقتدار را در کشور فراهم می‌سازد.

### تقاضای مشارکت

نیازها و درخواستهای اقشار مختلف جامعه از حاکمیت سیاسی، متناسب با تحولات اجتماعی تغییر می‌کند و هماهنگ با پیچیدگی تحولات اجتماعی و تنوع در ساختارهای اجتماعی و پیدایش اقشار و گروههای مستقل و متوسط، تقاضاها و نیازها نیز متنوع و پیچیده‌تر می‌شود. همانطور که قبلاً اشاره شد، تقاضاهای مختلف آحاد جامعه طیف وسیعی را می‌سازد که مشتمل بر نفی وجوه منفی و تأکید و تأیید وجوه مثبت زندگی اجتماعی است. به عبارت دیگر،

● در صورتی که تقاضای مردم برای مشارکت، از سوی حاکمیت سیاسی بخوبی درک نشود، این امر موجبات تنشهای گسترده اجتماعی را در کشور فراهم می‌کند.

خدمات رسانی لازم به آنان ضرورت تام دارد. کشورهای جهان سوم، در مسیر نیل به اهداف مربوطه، باید با موفقیت بحرانهای گوناگونی را از سر بگذرانند. یکی از مهمترین بحرانهای مشارکت است: چگونه نظام سیاسی با تقاضای مشارکت مواجه می‌شود؟ آیا در جهت پاسخگویی است یا مقابله و دفع آن؟ همانطور که قبلاً نیز گفتیم، هر اندازه ساختار اجتماعی کشورها، از وجود اقشار و طبقات گوناگون و متوسط و در عین حال دارای آگاهی و هوشیاری و درك اجتماعی بالا، بهره بیشتری داشته باشد، شدت و کیفیت تقاضای مشارکت بالاتر و گسترده‌تر خواهد بود و لذا نظام سیاسی در معرض فشار و بحران بیشتری از حیث مشارکت‌خواهی آحاد جامعه قرار خواهد داشت. از همین رو است که گفته می‌شود چنانچه يك سیستم سیاسی، بحران مشارکت را با موفقیت پشت‌سر گذارد، می‌تواند بر بحرانهای دیگر فائق آید.<sup>۲۱</sup>

در جمهوری اسلامی ایران با توجه به اینکه، نظام سیاسی کنونی، مولود انقلاب گسترده و عظیم مردمی می‌باشد و همچنین نقش گروهها و طبقات مستقل و متوسط (شهری) در رشد و پیشرفت و پیروزی انقلاب بسیار چشمگیر و اساسی بوده است، پیچیدگی تقاضای مشارکت از سوی آحاد جامعه بیشتر است. سیستم سیاسی باید تلاش جدی کند تا بسترهای مشارکت مردم در صحنه‌های مختلف فراهم، و مشارکت در جای‌جای میهن اسلامی نهادینه شود. در فرایند مشارکت باید سه جریان عمده را در نظر گرفت:<sup>۲۲</sup>

- نهادی کردن

- جامعه پذیری

- درونی کردن

با توجه به فرایند مزبور، برای نهادینه ساختن مشارکت از دو طریق می‌توان عمل کرد:

- مشارکت از بالا

- مشارکت از پایین

مشارکت از بالا می‌تواند در حد قابل توجهی

بحران مشارکت در ایران را پاسخگو باشد. یعنی حاکمیت سیاسی با تدابیر خاص، بسترهای اجرایی مشارکت مردم را فراهم سازد. اما این تلاش و اقدام جوابگویی تقاضای مشارکت در عرصه تصمیم‌گیری نیست. بلکه عمدتاً قلمرو مسائل اجرایی را پوشش می‌دهد.

مشارکت از پایین، به اقدامها و تلاشهایی اطلاق می‌شود طی آنها که گروهها و نهادهای مختلف که از آن مردم هستند همراه با آنان و برای آحاد جامعه کار کردهای گوناگونی را به منصفه ظهور می‌رسانند. این قبیل اقدامات به قلمرو «تصمیم‌گیری» که پیچیده‌ترین مرحله مشارکت است، وارد می‌گردد. تبلور مشارکت از پایین، تشکیل نهادهای مدنی در سطح جامعه است.<sup>۲۳</sup> یکی از مصادیق بارز مشارکت از پایین تشکیل «شوراهای شهری و روستایی» است. این شوراهای عامل مهمی برای مشارکت آحاد جامعه در عرصه تصمیم‌گیری و اجراست.

برآیند دو اقدام مزبور که حائز اهمیت زیادی هستند، می‌تواند زمینه‌های بحران مشارکت را در کشور برطرف کند و به تبع آن، بسترهای اولیه و ابتدایی تهدیدات اجتماعی برضد امنیت ملی کشور را از درون خنثی سازد. از سوی دیگر، ساز و کار مزبور محورها و پایه‌های اقتدار نظام را به دلیل مشارکت دادن مردم در عرصه‌های مختلف استوار می‌سازد و امکان بروز سایر تهدیدات سنتی یا غیرسنتی را برضد امنیت ملی کشور، بسیار ضعیف می‌کند. پیش‌نیاز این امور و تحقق مشارکت، وجود دو فرایند در بالا و پایین است:

فرایندی که باید در «بالا» جریان یابد عبارت است از قدرت پاسخگویی دستگاه اداری کشور و انعطاف روزافزون آن در جهت خدمات‌رسانی هر چه بهتر. این امر منجر به افزایش کارایی در بوروکراسی کشور می‌شود چرا که با توجه به کیفیت طبقه متوسط در ایران و تواناییها و قابلیت‌هایی که اقشار مختلف وابسته به آن دارا هستند موجبات بروز تقاضاهای مختلف از سوی آنان از حاکمیت سیاسی فراهم می‌شود. در صورتی که با بروز تقاضاها سیستم اداری و

● افزایش ظرفیت سیاسی و اجتماعی دستگاه اداری کشور برای پاسخگویی به تقاضاهای تازه از يك سو، و تنوع‌پذیری ساختارها و نهادها از سوی دیگر، بسترهای پیشرفت و تحول اجتماعی را با مشارکت مردم فراهم می‌کند.



امنیت همچون مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی نیز معنا می‌یابد.

در جمهوری اسلامی ایران، تهدیدات مختلفی از منظر غیرسنتی و ابعاد داخلی برضد امنیت ملی کشور، بصورت بالقوه و نهان وجود دارد که در این نوشتار، یکی از تهدیدات احتمالی در عرصه مسائل اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. دیدیم که در مسیر تحولات و تغییرات اجتماعی که در ایران صورت پذیرفته دگرگونیهای چشمگیری در ساختار طبقات اجتماعی کشور به وجود آمده است. از جمله می‌توان به پیدایش و گسترش طبقه متوسط در ایران در نتیجه تحولات اقتصادی اشاره داشت. طبقه متوسط از لحاظ سطح «درآمد» و «سواد» ویژگی‌های خاص خود را دارد و همین امر موجب می‌شود که تقاضاهای جدیدی از حاکمیت سیاسی داشته باشد. در صورتی که از سوی حاکمیت سیاسی، ظرفیت‌سازی لازم برای پاسخگویی به تقاضاهای متنوع اقشار این طبقه صورت نپذیرد، جامعه دچار تهدیدات امنیتی جدی خواهد شد. این گونه تهدیدات، با تهدیدات کلاسیک امنیتی دوران جنگ سرد تفاوت اساسی دارد. چرا که در عصر جدید، تهدیدات امنیتی صرفاً در قالب امور سنتی و نظامی خلاصه نمی‌شود و نباید آن‌ها را تنها در خارج از مرزها جستجو کرد. بلکه وجوه تهدید بسیار پیچیده‌تر و متنوع‌تر گردیده است.

دو حساسیت اساسی طبقات جدید اجتماعی در این مقاله مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت: یکی نگرانی نسبت به نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی و دیگری تقاضای مشارکت. بی‌توجهی به حساسیت‌های مزبور از سوی حاکمیت سیاسی موجب اعتراض عمومی و نارضایتی یا انفعال سیاسی و اجتماعی می‌گردد. ولی نتیجه قهری هر دو، بی‌ثباتی اجتماعی و کاهش انسجام در سطح جامعه است که می‌تواند بالقوه زمینه‌های تهدیدات امنیتی

سیاسی کشور توانایی و ظرفیت پاسخگویی لازم را نداشته باشد زمینه‌های بحران و شدت گرفتن تهدیدها در کشور فراهم می‌شود. در این مقاله به دو مصداق بارز تقاضاهای مردم در عرصه امور «سلبی» یعنی حساسیت نسبت به نابرابریهای اجتماعی و امور «اثباتی» یعنی درخواست مشارکت پرداخته شد. با افزایش ظرفیت سیاسی و خدماتی و پاسخگویی دستگاه اداری کشور، می‌توان به مقابله با نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی از يك سو و بسط و گسترش و نهادینه گردیدن مشارکت از سوی دیگر امیدوار بود. با اجابت تقاضاهای مردم نه تنها زمینه‌های تهدید برضد امنیت ملی کشور برطرف خواهد شد، بلکه پایه‌های اقتدار نظام در ابعاد غیرسنتی و داخلی نیز استوارتر خواهد شد و توان مقابله با هرگونه تهدید دیگر (اعم از سنتی و غیرسنتی) برای نظام مهیا می‌گردد و بسترهای پیشرفت اجتماعی در ابعاد مختلف فراهم می‌شود چرا که در این مدل «مردم صاحبان اصلی انقلاب و نظام» هستند.

فرایندی که باید در «پایین» جریان یابد، عبارت است از بسط و گسترش تساهل و تحمل و مفاهمه و گفتگو، همچنین توسعه و تنوع ساختارها که تعمیق هرچه بیشتر امر مشارکت را در برخواهد داشت. لذا افزایش ظرفیت سیاسی و اجتماعی دستگاه اداری کشور برای پاسخگویی از يك سو و تنوع‌پذیری ساختارها و نهادها از سوی دیگر، بسترهای پیشرفت و تحولات اجتماعی را با مشارکت مردم فراهم می‌کند.

### نتیجه‌گیری

بعد از تحولات جنگ سرد، مفهوم و ماهیت تهدیدات بکلی تغییر کرده است. توجه اصلی برای حفظ امنیت ملی از ابعاد سنتی و نظامی تهدید به تهدیدات غیرسنتی و غیرنظامی معطوف شده است. همچنین امنیت ملی صرفاً در مقابله با تهاجم خارجی جستجو نمی‌شود، بلکه در نحوه مواجهه با تهدیدهای داخلی

● نظام سیاسی باید تلاش جدی کند که بسترهای مشارکت مردم در صحنه‌های مختلف فراهم، و مشارکت در جای جای میهن اسلامی نهادینه شود.

benius the primacy of the Domestic Agency in Allison and Treverton, Rethinking America's Security, 57

۶- ر.ك. ماندل، پیشین، صص ۸۲-۴۳

7- See, B.Russett and H.Starr, **World Politics The Menu Borchoice** New York, 1992, 136 - 151

۸- ر.ك. «ابعاد نرم‌افزاری امنیت ملی: مشروعیت، انسجام و ظرفیت سیاسی»، ادوارد آذر و چونگ این مون، ترجمه گروه امنیت ملی پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین(ع)، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲، ۱۳۷۷.

۹- ر.ك. فرامرزر فیه بور. توسعه و تضاد، تهران انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶ ص ۷۶.

۱۰- همان.

11. See, W.Korpi, conflict, Power, and Relative Defniation, American political, Sciencereview, No 68, 1974, December

۱۲- رفیع پور، پیشین، ص ۷۷

۱۳- همان، ص ۸۱

۱۴- سالنامه آماری کشور، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶

۱۵- همان.

۱۶- همان، صص ۵۱۴-۵۱۵.

۱۷- همان، صص ۵۶۰-۵۵۸.

۱۸- ادوارد. ج گرب، نابرابری اجتماعی. ترجمه محمدسیاهپوش و احمدرضاغروی زاد (تهران: انتشارات معاصر، ۱۳۷۷)، ص ۱۰.

۱۹- مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری هزینه و درآمدی خانوارهای شهری و روستایی در طی سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶.

۲۰- همان، ص ۶۹.

۲۱- عبدالعلی قوام، توسعه سیاسی و تحول اداری. (تهران: نشر قومس، ۱۳۷۱)، ص ۱۳۸.

۲۲- همان، ص ۱۴۱.

۲۳- دسته‌بندی‌های دیگری از مشارکت وجود دارد. ر.ك. همان، ص ۱۴۴-۱۴۲.

تازه‌ای را برای کشور فراهم آورد و تدریجاً پایه‌های مشروعیت نظام را سست گرداند و آن را دچار بحران اقتدار نماید.

از سوی دیگر باید افزود که نظام‌های سیاسی همواره با دو ورودی (input) اساسی یعنی «تقاضا» و «حمایت» از سوی محیط روبرو هستند که باید درباره آنها تصمیم گیرند و واکنش مناسب نشان دهند. سازوکار ورودی‌های مزبور چنین است که با شکل‌گیری تقاضا از سوی محیط، نظام سیاسی نمی‌بایست تقاضاهای مربوطه را بدون پاسخ‌گذاشتن یا دفع‌الوقت کند یا آن را سرکوب نماید، بلکه باید نسبت به آنها چاره‌اندیشی مناسب کند. بنابراین در مرحله اول، ما شاهد مطرح شدن «تقاضا» از سوی محیط می‌باشیم، و در پی آن پاسخگویی از سوی حاکمیت را خواهیم داشت. در صورتی که پاسخگویی، مناسب و هماهنگ با تقاضا باشد فرایند بعدی در مرحله دوم که از سوی محیط بمنصه ظهور خواهد رسید، «حمایت» از نظام است که این امر موجب افزایش مقبولیت نظام می‌شود. با افزایش مقبولیت نظام زمینه‌های بالقوه تهدید و بحران نیز زائل می‌گردد و قوت و اقتدار نظام بیش از پیش فزونی می‌یابد.

#### یادداشت‌ها:

1 - Helga, Haftendorn, "The Security Puzzle, Theory - Building and Discipline - Building in International Security," **International Studies Quarterly**, 35 March 1991, 5 - 6

2 - Barry Buzan, **People, State, and Fear**, 2nd (Boulder. Co.: Lynne Rienner, 1991).1

3- رابرت ماندل، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی: تهران: ۱۳۷۷. ص ۴۴

4 - Arnold, Wolfers, **Discord and collaboration** (Baltimore: Johns Hopking University Press. 1962), 150

5 - Peter. G. Peterson with. James. K. Se-

● با اجابت تقاضاهای مردم، نه تنها زمینه‌های تهدید بر ضد امنیت ملی بر طرف خواهد شد بلکه پایه‌های اقتدار نظام نیز استوارتر می‌گردد و بسترهای پیشرفت اجتماعی در ابعاد مختلف فراهم می‌شود.